رویاهایی که می‌آیند

اکران پیش روی سینماهای جهان

قوی‌ترین سلاح

ساسان گلفر

Cinemaglobe.blogfa.com

پلیس‌های ترک خدمت کرده با سوابقی تاریک و در جست‌وجوی رستگاری، زندانیان از بندرسته و گذشته‌ای که دست از سر قهرمانان بر نمی‌دارد، شخصیت‌ها و مضامین غالب فیلم‌هایی است که در آخر هفته گذشته راهی پرده شده‌اند.

شهر ویران

«مدرک می‌تواند قوی‌ترین سلاح باشد.» این شعار تبلیغاتی فیلم «شهر ویران» است، فیلمی به کارگردانی آلن هیوز، محصول استودیو فاکس قرن بیستم با حضور مارک والبرگ، راسل کرو، کاترین زیتا جونز، جفری رایت و بری پیر. طبق فیلمنامه‌ای که برایان تاکر نوشته است، یک افسر پلیس شهر نیویورک (والبرگ) که به واسطه ماجرای تیراندازی و حاشیه‌های آن خلع درجه شده و شغل کارآگاه خصوصی را پیشه کرده است، از سوی شهردار (کرو) استخدام می‌شود تا در مورد فعالیت‌های مشکوک همسر شهردار تحقیق کند و به زودی در می‌یابد که شهردار هم، چندان قابل اعتماد نیست.

Broken City

آخرین ایستادگی

اکشن تازه آرنولد شوارتزنگر، اولین فیلمی است که فیلمساز کره‌ای، کیم‌جی‌ون در آمریکا ساخته است. شوارتزنگر در نقشی که قبلا قرار بود لیام نیسن ایفا کند، افسر سابق اداره مبارزه با مواد مخدر لس‌آنجلس است که بعد از کناره‌گرفتن از کار به علت ماموریتی که به نتایجی ناگوار ختم شده، درگیر ماجرای تعقیب یکی از سران گروه‌های تبهکار می‌شود که از زندان گریخته است و همراه با یک گروگان سوار بر کوروت ZR1 به سرعت به سمت مرز مکزیک می‌گریزد. فارست ویتاکر، ادواردونوریه‌گا، پیتر استورمیر، هری دین استنتن، جانی ناکسویل و رودریگو سانتورو از دیگر بازیگران این اکشن خشن دلهره‌آور هستند.

The Last Stand

لوو

وودی ۱۱ ساله که خانواده‌اش از هم پاشیده است و با مادربزرگش در حومه بالتیمور زندگی می‌کند، باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد پا در جای پای عمویش که به تازگی از زندان بیرون آمده، بگذارد یا راه خود را برای زندگی پیدا کند. این درام ۹۴ دقیقه‌ای را شلدون کندیس کارگردانی کرده و فیلمنامه‌اش را با همکاری جاستین ویلسن نوشته است. مایکل رینی جونیور، کامون، دنیس هیزبرت، دنی گلاور و چارلز داتن از جمله بازیگران این فیلم‌مستقل هستند.

Luv

ماما

این فیلم ترسناک بیشتر که به نام تهیه کننده‌اش، گی‌یرمو دل تورو شناخته می‌شود تا آندرس موشیتی کارگردان، با قتل یک زن و شوهر و ناپدید شدن دو دختر کوچک آنها آغاز می‌شود. پنج سال بعد، این دو خواهر در کلبه‌ای دورافتاده پیدا می‌شوند و به خانه عمویشان بازمی‌گردند. دیری نمی‌گذرد که عموی آنها و همسرش در می‌یابند که نیرویی در تعقیب این دو خواهر است که گویی همراه با آنها وارد خانه شده است.

Mama

خبر کوتاه

فرهاد توحیدی تکذیب کرد

● **ایسنا:** با انتشار اخباری مبنی بر تشکیل جلسه بررسی اساسنامه خانه سینما، فرهاد توحیدی گفت: «نمایندگان خانه سینما در این جلسه حضور نداشته‌اند و اساسا از این جلسه خبر نداشتند». دیروز برخی خبرهای غیررسمی منتشر شد مبنی بر اینکه جلسه‌ای دوم بهمن ماه برای بررسی اساسنامه خانه سینما تشکیل شده که به دلیل حضور برخی افراد غیرمرتبط، مسعود جعفری جوزانی در اعتراض به این حضور، جلسه را ترک کرده است.

نگاه صنفی

انتظار همدلی از اهالی سینما

همایون اسعدیان
رییس کانون کارگردانان

از مسوولان هیچ خواسته‌ای نداریم. اما از اهالی سینما خواسته‌های بسیار جدی‌تری خواهیم داشت. از آنجایی که سینمای ایران، این روزها در شرایط نامناسب حضور خود در مقایسه با سال‌هایی که سپری کرده است، قرار دارد؛ اهالی سینما باید با همدلی و یک رنگی و انسجام بیشتر و با کنار گذاشتن تسویه حساب‌های رایج در میان خود و دور بودن از حاشیه‌های نگران‌کننده سینما به اهداف اصلی سینما بپردازند که در شرایط حاضر بسیار سودمند خواهد بود. انتظار می‌رود اهالی سینما برای ایجاد فضایی مناسب برای جایگاه خود تلاشی نتیجه‌بخش کنند. روشن است که سینمای ما اکنون در وضعیت خاص قرار دارد. همانطور که می‌بینیم، وضعیت اکران فیلم‌های ساخته شده در شرایط ایده‌آلی نیست. این فیلم‌ها هر روز با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند و هیچکس هم برای حل آن فکری نمی‌کند. مساله دیگری که این روزها گریبان‌گیر سینما شده، مربوط به جشنواره فیلم فجر است. این جشنواره در حالی تا حدود یک هفته دیگر کار خود را آغاز می‌کند که هم اینک با مسایلی روبه‌روست. اما ناراحتی بیشتر برای فیلم‌هایی است که با صرف هزینه‌های بسیار ساخته شده‌اند؛ در حالی که امکان ورود به جشنواره را پیدا نکرده‌اند. همه اینها نشان‌دهنده کارنامه غیرقابل دفاع در امر مدیریت و تولید است، که طبیعتا سینما را در وضعیت ویژه‌ای فرو برده است. عجیب است در این میان می‌بینیم که مسوولان سکوت کرده‌اند. با همه این گفته ما تنها باید نگران همدلی اهالی سینما باشیم.

تماشاخانه

جوانان امروز، نسل آینده تئاتر

محمدامیر یاراحمدی
نمایشنامه‌نویس

سال‌هاست در جشنواره تئاتر فجر شرکت نکرده‌ام بنابراین درباره کیفیت سی‌امین دوره جشنواره هم نظری ندارم، منتها دوستان جوانی از من خواستند تا از متن نمایشنامه‌ام استفاده کنند چون ظاهرا تنها مسیری که نمایش‌ها به اجرای عمومی می‌رسند، حضور در جشنواره‌هاست. با توجه به این موضوع وقتی جوانان خواستند از متن نمایشنامه «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» استفاده کنند، دلم نیامد سماجت کنم تا به سراغ این نمایشنامه نروند فقط به آنها گفتم که این نمایشنامه را باید بازنویسی کنم، اگر در بخش بازخوانی مورد تایید قرار گرفت که امیدوارم موفق باشید.

یکی از دلایلی که دوست دارم به نسل جوان کمک کنم این است که در دو، سه سال اخیر تئاترهای آنها را به صورت جدی دنبال می‌کنم و حرکت‌های مثبت و بالنده‌ای در میان این نسل می‌بینم. بنابراین وقتی از من خواستند متن نمایشنامه‌ام را به جشنواره ارایه دهند، موافقت کردم. به‌هرحال احساس می‌کنم جوان‌ها، حرفی برای گفتن دارند و ما موظف به همکاری با آنها هستیم. جوانان امروزی نسل آینده تئاتر ما هستند. نه تنها من بلکه افراد دیگری همچون علیرضا نادری و... نیز حسی مثل من را دارند. برای همین اعتقاد دارم تا آنجاکه می‌توانیم باید به این جوانان کمک کنیم، سر تمرین‌های آنها برویم یا از طریق روش‌های دیگر آنها را یاری دهیم. با این‌حال همانطور که گفتم حضور در جشنواره‌ها برای من جاذبه‌ای ندارد. جشنواره‌ها در غیاب بخش خصوصی معنی ندارند درحالی‌که در جشنواره تئاترهای ما، تهیه‌کننده خود تولیدکننده هم هست و از میان این تولیدها دست به انتخاب آثار می‌زند. در مقایسه استانداردهایی که یک جشنواره تئاتر باید داشته باشد با آنچه در جشنواره تئاتر صورت می‌گیرد، می‌توانم بگویم که جشنواره، بازاری برای تولیدکنندگان تئاتر و محلی برای تبادل آثار است، سرمایه‌گذاران تئاتر به این جشنواره‌ها می‌روند تا به بررسی نمایش‌ها بپردازند و قراردادهایی میان تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران منعقد می‌شود. جشنواره به معنای جشن نیست و یک بازار است اما در کشور ما جشنواره به صورت یک تشریفات و جشن برگزار می‌شود و با تعریفی که از یک جشنواره بیان کردم، فاصله دارد.

مدیرعامل «بنیاد فارابی» در موزه «آبگینه»:

سخنانم گلایه نیست، هشدار است

نازنین متین‌نیا

نیم ساعت بعد از شروع صحبت‌ها در نشست خبری عملکرد «بنیاد فارابی» در چهارسال گذشته، «احمد میرعلایی» به خبرنگاران یادآوری کرد که حرف‌هایش گله نیست بلکه هشدار است. میرعلایی این جمله را دقیقا جایی به زبان آورد که حرف‌هایش درباره اوضاع ناآرام سینما، برخورد آرام با حواشی، افت تماشاگر در سالن‌ها، رابطه نه‌چندان خوشایند تلویزیون و سینما، دستمزدهای بالا و عدم وجود مدیران دلسوز سینما در ارگان‌های مختلف، تمام شده بود و ارایه گزارش کار بنیاد در سال‌های مدیریت او، بحث بعدی نشست است. اما ارایه آماری از تولیدات و عملکرد بنیاد در حوزه‌هایی مثل تامین مواد اولیه، انتشارات و... در حاشیه این صحبت‌ها قرار گرفت و میرعلایی، درباره این حواشی مثال زد: «سینمای ما، مثل «ماه» عیدفطر می‌ماند. آخرین شب ماه رمضان، همه درگیر این هستند که ماه را دیده‌اند، یا نه. اما وقتی ماه رویت شد، دیگر کسی کاری به کارش ندارد». اما قبل از این توضیحات، مدیرعامل بنیاد فارابی صحبت‌هایش را این‌طور شروع کرد: «اگر امروز وضعیت خوبی در سینما حاکم نیست همه ما مقصر هستیم و باید سعی کنیم که وضع سینما درست شود. امروز من در آستانه ۳۰سالگی تشکیل فارابی می‌گویم که از ابتدا به این بنیاد آمدم و تلاش کردم که در این بنیاد در خدمت سینما باشم و روزی که رفتم کارنامه خوبی به جا بگذارم. متاسفانه بخشی از انرژی ما صرف حواشی شده است که به سینما ارتباط ندارد. خیلی‌ها می‌گفتند که در آستانه جشنواره، نباید این نشست برگزار شود، اما این نشست منافاتی با جشنواره ندارد و ما تمام تلاشمان را برای همراهی با جشنواره انجام می‌دهیم.

ما دنبال این بودیم که بنیاد سینمایی فارابی را به محل امنی برای همه سینماگران تبدیل کنیم و هرکس از مسلمان تا مسیحی و یهودی که می‌خواهد در چارچوب نظام فیلم بسازد از او حمایت کنیم. زیرا فارابی خانه همه فیلمسازان است. متاسفانه به بخش اقتصاد در سینما توجه نشده و معماری اقتصادی سینما فراموش شده است و همین امر هزینه‌هایی مانند دستمزدها را بیخود افزایش داده، امروز یک بازیگر خودش را با فوتبالیست مقایسه می‌کند و توقع دستمزد بالا دارد. از طرف دیگر ارگان‌های تاثیرگذار و سینما آدم‌های دلسوزی ندارند و فقط به حاشیه می‌پردازند. سینمای ما پاگرفته و در کشورهایی که در آنها سینما پاگرفته، رابطه خوبی بین تلویزیون و سینما وجود دارد. اما اینجا، یک‌بار در تلویزیون یک آقایی گفت که امسال هشت فیلم درباره خیانت داریم و هشت میلیون بار این تکرار شد. تلویزیون باید پشتیبان سینما باشد و سینما هم باید از تلویزیون حمایت کند نباید این‌گونه باشد یک نقص در سینما در تلویزیون بزرگ شود یا اینکه یک فیلم سیاه نمایی را پیدا کنند در جشنواره و بعد بگویند همه فیلم‌ها فیلم بدی هستند. قیاس‌ها همه به هم ریخته است و حتی فیلمی مثل «جدایی نادر از سیمین» که در اسکار جایزه گرفته به عنوان فیلم ضدکشور معرفی شود». میرعلایی بعد از این صحبت‌ها به سوال خبرنگاران پاسخ داد. سوالاتی که مهم‌ترین آنها با شایعات اختلاف مدیربنیاد فارابی و رییس سازمان سینمایی شروع شد و میرعلایی به آن جواب داد: «من با آقای «شمقدری» قبل از مدیریت دوست بودم، در دوران مدیریت هم دوست هستم و بعد از آن هم خواهم بود. اما این دوستی دلیل این نیست که در کار، اختلاف نظرهایی وجود نداشته باشد. من تا روزی که بدانم می‌توانم برای سینما کاری انجام دهم، در بنیاد می‌مانم. ممکن است لحظه‌ای بعد از این جلسه من دیگر مدیر نباشم و ممکن است که سال‌های سال در این پست بمانم.» او در ادامه این صحبت‌هایش به استعفایی که چندماه پیش نوشته، اشاره کرد و در جواب سوال دیگری درباره پروژه‌های فاخر، بودجه‌ای که فارابی به این پروژه‌ها اختصاص می‌دهد و نارضایتی سینماگران مستقل از تخصیص این بودجه‌ها گفت: «طرح پروژه‌های فاخر در زمان «جعفری‌جلوه» راه‌اندازی شد. آقای جلوه با نمایندگان مجلس به توافق رسیدند که سالانه بودجه‌ای برای تولید پروژه‌های فاخر داشته‌باشیم.

این یعنی اگر این فیلم‌ها ساخته نشود، پولی هم نمی‌رسد. بنیاد فارابی به تمام فیلم‌های ارزشی کمک می‌کند و در کنار آن مواد اولیه مثل نگاتیو و پرنتیو را با قیمت‌های چهارسال گذشته در اختیار همه می‌گذارد. درباره رقم‌هایی که از بعضی پروژه‌ها اعلام می‌شود هم الان نمی‌توانم توضیح دهم، اما می‌توانم بگویم که گاهی خودمان هم از شنیدن این رقم‌ها خنده‌مان می‌گیرد.» میرعلایی بعد از این توضیحات ترجیح داد که درباره سوالات مربوط به این پروژه‌ها، صحبتی نکند و تنها به سوالی درباره سرنوشت این پروژه‌ها و میزان استقبال مخاطب و بازگشت بودجه، جواب دهد: « این طور نیست که ما به اقتصاد سینما توجه نکنیم و فروش برای ما مهم نباشد. اینکه ما زمانی فیلم می‌سازیم؛ نگران مخاطب نیستیم درست نیست بلکه بحث استقبال مخاطبان مقوله دیگری است امروز در بیشترین شرایط پرفروش‌ترین فیلم هفت میلیارد تومان می‌فروشد که فقط سه درصد جمعیت فیلم را می‌بینند، از این سه درصد یک و نیم درصد ویژه تهران و بقیه آنها ویژه شهرستان‌هاست.» صحبت درباره فیلمسازان حاشیه‌نشینی مثل بهرام بیضایی و ناصر تقوایی و... آخرین صحبت‌های مهم مدیرعامل بنیاد بود. میرعلایی توضیح داد که در برنامه خاصی از یکی از همین فیلمسازان قدیمی درخواست کرده تا با همکاری بنیاد فیلمی درباره مادران شهدا بسازد و جلساتی انجام شده و نام فیلمساز به موقع اعلام می‌شود و اینکه: «ما علاقه داشتیم که با آقای «بیضایی» فیلم «روز اشغال» ایشان را کار کنیم که در این زمینه مذاکراتی هم انجام شد و حتی بحث‌ها تا قرارداد اولیه هم پیش رفت اما متاسفانه قبل از آن برخی افراد نظر ایشان را عوض کردند تا به ایران نیایند و کار نکنند. با آقای «تقوایی» هم مذاکراتی برای ساخت یک فیلم انجام شد اما ایشان یک فیلم ناتمام دارند که به لحاظ حقوقی ابتدا باید مسایل آن فیلم را حل کنند. اما در هر صورت ما اعلام آمادگی می‌کنیم و خوشحال می‌شویم که با ایشان همکاری کنیم. درباره سایر افراد هم همین‌گونه است باید بگویم ما حتی قبل از آنکه حکمی برای آقای «پناهی» صادر شود مذاکراتی داشتیم و قرار بود فیلمنامه‌ای که ایشان درباره دفاع مقدس داشتند را کار کنیم که در هر صورت این اتفاق نیفتاد.» با این توضیحات، صحبت‌های مدیرعامل بنیاد فارابی با اهالی رسانه درباره عملکرد بنیاد فارابی و تمام آن چیزهایی که این روزها درباره سینما شنیده می‌شود و میرعلایی آن را هشدار می‌خواند، تمام شد.

عکس: ایسنا

عکس روز

عکس: مهدی حسنی، شرق

شرق: «گلاب آدینه» بعد از یک‌سال دوری از صحنه‌های تئاتر با نمایش «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» نوشته محمد امیر یاراحمدی و با کارگردانی شهاب حسین‌پور نخستین روز از سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر رونق بخشید. آدینه که سال گذشته با نمایش «خرده خانم» کیومرث پوراحمد به صحنه رفته بود؛ امسال با بیوه‌های غمگین سالار جنگ به همراه خواهرش حمیده مستعان و دخترش نورا هاشمی به صحنه رفت. آدینه در پایان این نمایش با خواهرش روی صحنه حضور یافت و ضمن تقدیر از او و تشکر از گروه برای اجازه همراهی او گفت: «ایشان طی روزهای تمرین همواره کنار ما بود تا اینکه تصمیم گرفتیم او نیز در اجرا ما را یاری کند. گروه ریسک حضور حمیده را پذیرا شد، درحالی که طی این دو اجرا هیچ یک از ما نمی‌دانستیم چه اتفاقی ممکن است بیفتد. اما با این دو اجرا موفق شدیم به خانواده‌هایی که فرزندانی با توانایی‌های محدود دارند نشان بدهیم، نباید فرزندان خود را دست‌کم بگیرند و حمیده با حضور خود نشان داد این عزیزان همان‌طور که همه شما شاهد بودید، می‌توانند روی صحنه تئاتر حضوری مثبت داشته باشند.»

ادامه از صفحه ۸

روشنک/ شعبان/ قاسم

● با دو استثنای معنی‌دار باقی بازیگران نمایش نقش‌های یگانه‌ای بازی می‌کنند. این دو استثنا یکی بازیگر نقش زن است که با لباسی مشابه نقش دو روشنک را به عنوان همسر هر یک از دو روزنامه‌نگار بازی می‌کند و دیگری بازیگری که هم نقش قاسم دستگیرکننده و قاتل میرزا را بازی می‌کند و هم نقش شعبان جعفری که به روایت نمایش کریم‌پور را شکنجه می‌کند و می‌کشد.

با نشانه‌هایی که نمایش به دست‌مان می‌دهد، می‌فهمیم که روشنک را نباید شخصیتی «تاریخی» بگیریم. روشنک شخصیتی نمادین است: هم زنی است خواهان تغییر که برای آن می‌کوشد و هم باردار فرزند روزنامه‌نگار و سوژه انقلابی است؛ فرزندانی که هیچ‌کدام از دو روزنامه‌نگار تولدشان را نمی‌بینند. روشنک از یک طرف پابه‌پای شوهر انقلابی‌اش برای ترقی می‌کوشد و از طرف دیگر ترس از وقوع فاجعه را بیش از او یا شاید حتی پیش از او احساس می‌کند. و در آخر، در هر دو مورد مجبور می‌شود شوهرش را در آستانه دستگیری و اعدام ترک کند و خودش و فرزندش را نجات دهد. در صحنه کوتاه آغازین نمایش که شعر حافظ «گفت آن یار کزو گشت سردار بلند/ جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد» خوانده می‌شود، روشنک با چراغ به صحنه تاریک می‌آید، میرزا را می‌جوید و از صحنه خارج می‌شود. روشنک به عنوان شخصیتی نمادین کسی نیست جز همان «مردم»؛ بخشی از مردم که سوژه انقلاب را می‌جوید، می‌یابد و باز از دست می‌دهد و تنها می‌ماند. اوست که توامان هم دچار پیامد شکست انقلاب می‌شود و هم حامل میراث انقلابی.

روشنک همان «بخشی» از مردم است که در هر دو دوره حاضر است: همان بخش رنج کشیده، بی‌حقوق و در عین حال ترقی‌خواه و روشن و زیبا. و همین مردم است که به هنگام شکست در «بودن» خودش هم شک می‌کند؛ چون تنها مانده؛ چون کم‌زور مانده.

اما یک بخش دیگر از «مردم» هم هستند که باز در هر دو دوره حاضرند: قاسم قاتل و شعبان بی‌مخ، با بازیگری واحد هم به یک معنی همان حضور و تداومی را دارند که روشنک. زبان قاسم و شعبان، لباس تیره بازیگر و خشونتش نماینده آن بخش دیگر «مردم» است. در تقابل با روشنکی که آواره می‌شود، قاسم آدم می‌کشد و از شاه کرسی وکالت پاداش می‌گیرد. پاسخی که نمایش به پرسش کیستی مردم می‌دهد همین پاسخ دوگانه است. مردم یکی نیستند.

ادای دین و جایگاه راوی

«گزارش سرگذشت دو روزنامه‌نگار» یک گزارش صرف نیست. روایتی است که آشکارا جانب روزنامه‌نگار انقلابی را می‌گیرد. و یکی از نکات مثبت نمایش این است که سوژه‌های فعال آن با توسل به ارجاعات زیباشناختی خود را به این دو شخصیت متصل می‌کنند: عکاس‌باشی شاه قاجار که مردی فرانسوی است و قرار است لحظه‌ها را فقط ثبت و گزارش کند، رفیق میرزا از آب درمی‌آید و از او جانبداری می‌کند. اولین روشنک به نمایشنامه‌نویس بودن میرزا اشاره می‌کند و می‌خواهد در «نمایش» او که این بار قرار است در آن عاشق و معشوق به هم برسند بازی کند؛ روشنک دوم می‌خواهد برای شعر کریم‌پور موسیقی بسازد. این ارجاع دادن به آثار هنری دو روزنامه‌نگار صرفا اتفاقی در داخل «داستان» نیست: ارجاع به خود اثر هنری و نمایش هم هست. به این دلالت‌ها، هویت راوی نمایش را می‌توان با هویت نمادین روشنک و عکاس‌باشی یکی گرفت.

پیوند دیگر راوی با نقش‌های نمایش جایی است که از زبان هر دو روزنامه‌نگار از «ماندن» دفاع می‌کند: دفاع از ماندن، آن هم در شرایطی که رفتن به معنای نجات است. به این ترتیب، نمایش علاوه بر همه معانی دیگری که منتقل می‌کند، دفاعی تراژیک اما آگاهانه از ماندن است.

پی‌نوشت:

۱- این مصراع اول آخرین بیت شعری است که امیرمختار کریم‌پور شیرازی در رثای شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ سروده است: ای به خون خفته شهیدان به شما باد سلام/ ای کفن‌پوش عزیزان به شما باد سلام.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
شرکت ارتباطات زیرساخت

نوبت اول

آگهی مناقصه شماره ۹۱/۵۰
تهیه و حمل و نصب و راه اندازی
دو دستگاه OPG دیجیتال با سفالومتری دیجیتال

شرکت ارتباطات زیرساخت در نظر دارد تهیه و حمل و نصب و راه اندازی دو دستگاه OPG دیجیتال با سفالومتری دیجیتال را براساس اسناد مناقصه و شرح خدمات مورد نیاز به شرکتهای واجد شرایط و دارای مجوز معتبر فعالیت در رابطه با موضوع مناقصه از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار نماید.

زمان فروش اسناد: از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/۱۱/۱۱

بهای فروش اسناد و نحوه دریافت اسناد: مناقصه گران با ارائه معرفی نامه درج شماره ثابت، نمابر، تلفن همراه و آدرس پست الکترونیکی الزامیست) می توانند مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (پانصد هزارریال) به حساب شماره ۲۱۷۴۸۳۹۰۰۴۰۰۰ شرکت ارتباطات زیرساخت نزد بانک ملی شعبه مخابرات واریز و اصل فیش را جهت دریافت اسناد ارائه نمایند.

مکان فروش اسناد: خیابان شریعتی- نرسیده به پل سیدخندان - ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت نیم کف غربی اطاق شماره ۴ می باشد.

تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۲۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و بیست و سه میلیون ریال) می باشد که می بایست توسط متاقصه گر به صورت ضمانت نامه بانکی قابل تمدید به نام شرکت ارتباطات زیرساخت (با ذکر شماره و موضوع مناقصه) ارائه می گردد.

آخرین مهلت تحویل پاکات مناقصه: تا ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۱/۱۱/۲۳

زمان بازگشایی پاکات مناقصه: ساعت ۱۰/۱۵ صبح روز سه شنبه مورخ ۹۱/۱۱/۲۴ در محل کمیسیون معاملات (طبقه ۱۵ ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت) می باشد. ضمنا مناقصه گران ضمن مراجعه به سایت www.TIC.IR می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۸۸۱۱۲۱۲۴ و ۸۸۹۶۲۶۴۱ و ۱۰۱۶-۶۴۴۴۹ تماس حاصل نمایند.

شرکت ارتباطات زیرساخت

م/الف ۶۴۷۴۸